



شورای راهبردی روابط خارجی
Strategic Council on
Foreign Relations

امنیتی‌سازی بحران مهاجرت در اروپا

سیاست‌های مهاجرتی در اروپا، به‌ویژه در سال‌های اخیر، بیش از آنکه متأثر از اصول انسانی و ملاحظات حقوق بشری باشد، تابعی از فشارهای سیاسی داخلی، رشد جریان‌های راست افراطی و چالش‌های امنیتی و اقتصادی بوده است. اگرچه بسیاری از کشورهای اروپایی، به‌ویژه آلمان، در گذشته با شعارهایی چون «فرهنگ خوش‌آمدگویی» سعی در ارائه چهره‌ای باز و پذیرنده داشتند، اما شواهد موجود از تغییر آشکار در این رویکرد خبر می‌دهند. در آلمان، تنها در نیمه نخست سال ۲۰۲۴ بیش از ۷۰۰۰ نفر به کشورهای مبدأ یا ثالث بازگردانده شدند که نسبت به مدت مشابه در سال قبل، افزایش ۱۷ درصدی را نشان می‌دهد. آمار نهایی سال نیز از عبور تعداد اخراج‌ها از مرز ۱۰ هزار نفر حکایت دارد. بیشترین اخراج‌ها مربوط به شهروندان ترکیه، گرجستان، افغانستان، آلبانی و سوریه بوده و در بسیاری از موارد، روند اخراج حتی شامل افرادی شده که سابقه اقامت چندساله داشته‌اند. هم‌زمان، تعداد در خواست‌های پناهندگی در آلمان به ۲۱۳۴۹۹ مورد رسید که کاهش ۳۴ درصدی نسبت به سال ۲۰۲۳ را نشان می‌دهد. مرکز تحلیل سیاست اروپا در برلین (CEPA) در گزارشی هشدار داده که اتخاذ سیاست‌های سخت‌گیرانه مهاجرتی، به‌ویژه در کشورهایی چون آلمان، فرانسه، سوئد و اتریش، بیشتر تابعی از فشار حزب‌های راست‌گرای پوپولیست است تا نیاز واقعی به کاهش مهاجرت. در همین راستا، حزب آلترناتیو برای آلمان (AfD) با بهره‌گیری از گفتمان‌های ضد‌مهاجرتی، موقعیت خود را در نظرسنجی‌ها تقویت کرده و حتی در برخی ایالت‌ها، به حزب اول تبدیل شده است. فشار این حزب و هم‌فکرانش موجب شده احزاب میانه‌رو نیز مواضع خود را سخت‌تر کنند. برای نمونه، در اکتبر ۲۰۲۴، دولت آلمان لایحه‌ای را تصویب کرد که بر اخراج سریع‌تر پناه‌جویان تأکید شده و کاهش حمایت‌های اجتماعی را هدف قرار داده است. از سوی دیگر، جامعه مهاجران در آلمان با تبعیض‌های ساختاری و خشونت‌های فزاینده مواجه‌اند. طبق گزارش بنیاد آمار و مهاجرت، در سال گذشته بیش از ۱۴۰۰ مورد حمله نژادپرستانه ثبت شده که عمدتاً علیه پناه‌جویان، مسلمانان و آفریقایی‌تباران بوده است. این حملات در حالی تداوم دارد که بسیاری از مهاجران، به‌ویژه در ایالت‌های شرقی، از دسترسی برابر به اشتغال، آموزش و خدمات درمانی محروم‌اند. گزارش سالانه «آژانس حقوق بنیادین اتحادیه اروپا» (FRA) نیز بر تبعیض آشکار علیه مهاجران در بازار کار، مسکن و حتی نظام قضایی آلمان تأکید کرده است. یافته‌های پژوهش مؤسسه ماکس پلانک در سال ۲۰۲۳ نیز نشان داد که بیش از ۴۵ درصد مهاجران عرب‌تبار و ۵۱ درصد مهاجران آفریقایی‌تبار در آلمان تجربه شخصی از تبعیض در زندگی روزمره داشته‌اند. نکته نگران‌کننده دیگر، روند «امنیتی‌سازی مهاجرت» است؛ پدیده‌ای که در آن، نهادهای امنیتی و پلیسی به‌جای نهادهای اجتماعی و ادغام، سکان مدیریت مهاجرت را در دست گرفته‌اند. در آلمان، هم‌اکنون بخشی از فرایند تصمیم‌گیری درباره پذیرش یا رد مهاجران، به‌طور مستقیم با مشارکت اداره فدرال حفاظت از قانون اساسی و نهادهای امنیت داخلی انجام می‌شود. علاوه بر آن، ایجاد اردوگاه‌های مرزی با نظارت پلیس و اجرای طرح‌های بازداشت پیش‌گیرانه برای مهاجران بدون مدرک اقامت، نمونه‌هایی است از غلبه رویکرد امنیتی بر رویکردهای حقوق‌محور. در چنین شرایطی، مهاجر بودن در اروپا به معنای زیستن در وضعیت تعلیق است؛ نه کاملاً پذیرفته‌شدن و نه صراحتاً طرد شدن. بسیاری از مهاجران، به‌ویژه نسل دوم، در یک وضعیت دوگانه هویتی بسر می‌برند: از سویی با جامعه میزبان احساس بیگانگی می‌کنند و از سوی دیگر، پیوندهای اجتماعی با سرزمین مبدأ نیز برایشان کمرنگ شده است. این وضعیت نه‌تنها انسجام اجتماعی را تهدید می‌کند، بلکه زمینه‌ساز رشد احساس سرخوردگی، انزوا و واکنش‌های اعتراضی در میان مهاجران می‌شود. سیاست‌های مهاجرتی امروز اروپا، بیش از آنکه پاسخ به یک بحران واقعی باشند، بازتابی از بحران درونی ارزش‌های لیبرال‌دموکراسی‌اند؛ ارزش‌هایی که در بزنگاه‌های واقعی، اغلب با منافع ژئوپلیتیک، فشار جناح‌های سیاسی و اضطراب‌های اقتصادی جایگزین می‌شوند. مسئله مهاجرت در اروپا، امروز نه‌تنها یک بحران انسانی، بلکه آزمونی برای وجدان و صداقت سیاسی دولت‌هاست. برخوردی انسانی، منصفانه و شفاف با مهاجران، بیش از آنکه لطفی از جانب میزبان باشد، معیاری است از بلوغ سیاسی و اخلاقی نظام‌های مدرن. اروپا در این آزمون، متأسفانه روز‌به‌روز نمره کمتری می‌گیرد.



بین‌الملل
INTERNATIONAL



آرمین منتظری

دبیر گروه بین‌الملل و دیپلماسی

روز هشتم آوریل، خبرگزاری رویترز گزارشی منتشر کرد که در آن به نقل از یکی از مقامات ارشد حزب‌الله اعلام کرد حزب‌الله لبنان آماده است تا با رئیس‌جمهوری لبنان در مورد زمین گذاشتن سلاح‌های حزب‌الله مذاکره کند؛ البته به شرطی که اسرائیل از پنج نقطه‌ای که در جنوب لبنان تصرف کرده، عقب‌نشینی کند و به حملاتش به لبنان پایان دهد. این گزارش در میانه افزایش در خواست‌ها در داخل و خارج از لبنان برای خلع سلاح حزب‌الله، به‌ویژه پس از سفر مورگان اورنگاس، فرستاده ویژه ایالات متحده، به بیروت منتشر شد. در این سفر، او بر لزوم خلع سلاح این گروه تأکید کرده بود.

این ابراز آمادگی مشروط حزب‌الله در خصوص مذاکره برای خلع سلاح، نشانه‌ای از تغییر موضع این گروه از اکتبر سال ۲۰۲۳ تا به امروز است. در آن زمان حزب‌الله به عنوان سرسخت‌ترین دشمن اسرائیل و به‌عنوان مسلح‌ترین، سازمان‌یافته‌ترین و تأثیرگذارترین بازیگر در محور مقاومت مورد حمایت ایران مطرح بود. حزب‌الله لبنان از زمان جنگ با اسرائیل در سال ۲۰۰۶، این موقعیت را حفظ کرد. در آن سال، این گروه ارتش اسرائیل را مجبور به عقب‌نشینی از مرز لبنان کرد و این پیروزی در داخل لبنان موقعیتش را تثبیت کرد. نتیجه این جنگ، یک قانون نانوشته را بین اسرائیل و حزب‌الله حاکم کرد که براساس آن توانایی و تمایل هر دو طرف برای وارد کردن آسیب به طرف مقابل به رسمیت شناخته‌شد و در نهایت دو طرف به این نتیجه رسیدند که یک آتش‌بس ناپایدار بهتر از درگیری سنگین است. البته این آتش‌بس ناپایدار از سوی حزب‌الله به بازدارندگی تعبیر شد. این بازدارندگی نزدیک به دو دهه ادامه داشت و باعث شد حزب‌الله قدرت خود را تثبیت کند. همچنین این بازدارندگی به حزب‌الله روحیه و اعتمادبه‌نفس بیشتری تزریق کرد تا جایی که سیدحسن نصرالله، دبیرکل فقید حزب‌الله، اسرائیل را «ضعیف‌تر از تار عنکبوت» توصیف کرد اما واقعیت امر این بود که اسرائیل پس از جنگ سال ۲۰۰۶، در پشت پرده، سالیان متمادی را صرف جمع‌آوری اطلاعات و نفوذ در درون ساختار فرماندهی حزب‌الله کرد.

حالا یک‌سال ونیم از حمله غافلگیرانه حماس علیه اسرائیل در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ گذشته و قانون نانوشته جنگ سال ۲۰۰۶ امروز به نقطه‌ای غیرقابل بازگشت رسیده است. حزب‌الله آسیب سنگینی را در درگیری با اسرائیل در یک سال ونیم گذشته متحمل شده است. ترور سیدحسن نصرالله در ۲۷ سپتامبر سال ۲۰۲۴ و ترور فرماندهان ارشد حزب‌الله ضربه سنگینی بود که به این گروه وارد شد. عملیات انفجار پیچرها نیز ضربه‌ای دیگر به سازمان حزب‌الله بود. پس از آن حمله زمینی اسرائیل به جنوب لبنان آغاز شد و اسرائیل در طول چند هفته، به شدت جنوب لبنان را تخریب کرد و در ادامه سقوط بشاراسد در سوریه، مسیرهای لجستیکی حزب‌الله لبنان را مسدود کرد. واقع‌بینانه است اگر بگوییم همه این رخدادها آسیب‌های سختی به حزب‌الله وارد کرد و تضعیف نسبی این گروه را به همراه داشت. علاوه بر این داینامیک‌های سیاست داخلی در لبنان نیز به گونه‌ای پیش رفت که حزب‌الله دیگر مثل گذشته قدرت بازیگری و اثرگذاری در شکل‌دادن تحولات داخلی لبنان را نداشت. روند انتخاب رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر لبنان و همچنین روند چپنش کلبینه نشان می‌دهد که حزب‌الله نتوانست مانند گذشته در این تحولات نقش موثری ایفا کند.

❖ اشتباهات محاسباتی

قبل از شروع درگیری اسرائیل و حزب‌الله، تصور می‌شد که زرادخانه موشکی حزب‌الله از نظر کمیت و تنوع، شامل هزاران پهپاد و مهمات هدایت‌شونده دقیق است. در نتیجه، سرویس‌های امنیتی اسرائیلی و غربی و همچنین تحلیلگران مستقل پیش‌بینی می‌کردند که در صورت وقوع یک جنگ، رگبار عظیمی از موشک‌ها از سمت لبنان به سمت شهرهای اسرائیل، از جمله حيفا و تل‌آویو، سرازیر خواهد شد. حتی تحلیل‌های اطلاعاتی اسرائیل از چندسال گذشته حاکی از آن بود که اسرائیل برای مقاومت در برابر قابلیت‌های موشکی حزب‌الله با مشکل مواجه خواهد شد. مطالعات اسرائیلی‌ها حاکی از آن بود که حزب‌الله می‌تواند حداقل ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ موشک و پهپاد در روز شلیک کند. با این حال، در جنگی که در سپتامبر ۲۰۲۴ آغاز شد، رگبار موشکی مورد انتظار از سوی حزب‌الله محقق نشد. برخلاف جنگ سال ۲۰۰۶ که زرادخانه حزب‌الله عمده‌تاً دست‌نخورده باقی ماند و پس از آن نیز تقویت شد، در جنگ سال ۲۰۲۴ پس از یک سال درگیری محدود، حملات دقیق و عملیات خرابکارانه اسرائیل و ترور اکثر فرماندهان و رهبران ارشد حزب‌الله، از جمله سیدحسن نصرالله، آغاز شد. این ضربات عملاً بسیاری از قابلیت‌های نظامی حزب‌الله را نابود و دکتربین دفاعی این گروه را به شدت تضعیف کرد. علاوه بر این، ایران، به عنوان حامی حزب‌الله، همچنان تمایلی به ورود به یک درگیری گسترده با اسرائیل نداشت و همین ملاحظات ایران، گزینه‌های پیش روی حزب‌الله را بیشتر محدود کرد. در مجموع، این عوامل منجر به چندین اشتباه محاسباتی کلیدی در مورد نیت، نقاط قوت و قابلیت‌های اسرائیل شد. حزب‌الله قابلیت‌های خود را بیش از حد ارزیابی می‌کرد و معتقد بود که می‌تواند مانند سال ۲۰۰۶، یک درگیری فرسایشی محدود با اسرائیل را آغاز کند و در نهایت اسرائیل را به مذاکره وادار کند. با این حال، اسرائیل برنامه‌های دیگری داشت و استراتژی نظامی خود را با هدف کارایی بسیار بیشتر، با قدرت هوایی برتر و قابلیت‌های تکنولوژیکی، تطبیق داده بود.

❖ تلاش حزب‌الله برای انطباق

حالا که میان دو طرف آتش‌بسی هر چند شکننده برقرار شده،



باید گفت که حزب‌الله با محدودیت‌های زیادی روبه‌رو است؛ خصوصاً اینکه از دست رفتن بخش زیادی از سلاح‌های استراتژیک، حزب‌الله را از اهرم مذاکره قابل توجهی محروم می‌کند. حزب‌الله برای تأمین مجدد زرادخانه خود نیز با مشکل مواجه است، زیرا مسیرهای قبلی لجستیکی از طریق سوریه، پس از سقوط اسد دیگر کاربردی نیستند و بسیاری از مسیرهای دیگر نیز یا توسط اسرائیل مسدود شده‌اند و یا با اعمال فشار ایالات متحده آمریکا قابل استفاده نیستند. علاوه بر این، برقراری آتش‌بس مستلزم آن است که اعضای حزب‌الله که در جنوب رودخانه لیتانی مستقر هستند سلاح‌های خود را به ارتش لبنان تحویل دهند و در خواست‌های اخیر مقامات اسرائیل و ایالات متحده نشان می‌دهد که آنها ممکن است این درخواست را به عنوان شرطی برای توقف دائمی خصومت‌ها به مناطق شمال لیتانی نیز تعمیم دهند. با در نظر گرفتن تشدید این فشارها و همچنین بی‌ا در نظر گرفتن تغییرات سیاسی در لبنان، باید گفت نفوذ حزب‌الله در تحولات سیاسی داخل لبنان تضعیف می‌شود. حالا حتی مردم لبنان نیز بیش از گذشته از خواسته‌های بین‌المللی برای خلع سلاح حزب‌الله و واگذاری تصمیم‌گیری درباره جنگ و صلح به دولت لبنان، حمایت می‌کنند.

البته به‌رغم همه این چالش‌ها، بعید است که حزب‌الله در آینده نزدیک سلاح خود را زمین بگذارد. اگرچه این گروه دیگر به اندازه قبل از جنگ غزه، سلاح‌های استراتژیک در اختیار ندارد، اما همچنان قدرتمندترین جناح سیاسی مسلح در لبنان است و در بسیاری از زمینه‌ها قدرتش با ارتش لبنان برابری می‌کند و حتی در برخی جنبه‌ها، مانند تجربه و تسلیحات، از ارتش لبنان قوی‌تر است. علاوه بر این، حضور مداوم اسرائیل در جنوب لبنان و حملات هوایی مداوم جنگنده‌های اسرائیلی، در کنار زمان‌بر بودن مذاکره دولت لبنان با حزب‌الله برای رسیدن به یک استراتژی دفاع ملی و تمایل حزب‌الله برای ارائه تصویری از خود مبنی بر تنها نیروی مقاومت در لبنان، آن‌هم درست قبل از انتخابات پارلمانی سال ۲۰۲۶، موجب خواهد شد تا این گروه به حفظ سلاح‌هایش ترجیح شود.

آخرین سخنرانی شیخ نعیم قاسم، دبیرکل حزب‌الله، در روز ۱۸ آوریل کاملاً واضح و روشن بود. او با تعیین پیش‌شرط‌هایی برای هرگونه مذاکره در مورد استراتژی دفاع ملی لبنان، احتمال خلع سلاح حزب‌الله را رد کرد و هرگونه عادی‌سازی روابط لبنان با اسرائیل را نیز مردود شمرد. در چنین شرایطی، حزب‌الله چاره‌ای ندارد جز اینکه استراتژی نظامی خود را از نو تنظیم کند. در درجه اول، حزب‌الله برای حرکت در این مسیر به کمک ایران نیاز دارد. بنابراین هم ایران و هم حزب‌الله سعی خواهند کرد تا مسیرهای قابل استفاده از طریق زمین، دریا و هوا را برای تجهیز مجدد حزب‌الله باز نمایند. البته حرکت در این مسیر به‌طور طبیعی کند خواهد بود و با خطرات قابل توجهی از جمله رصد اطلاعاتی امنیتی اسرائیل مواجه خواهد شد. چنانچه اسرائیل در این خصوص اطلاعاتی به دست آورد، بدون شک اقدام نظامی خواهد کرد و این اقدام نظامی ممکن است به شعله‌ور شدن مجدد آتش جنگ بیانجامد. یکی از مسیرهای تدارکاتی حزب‌الله همچنان سوریه خواهد بود. بنابراین تضعیف هیئت‌تحریر الشام و دولت تازه تاسیس محمد جولانی کاملاً به نفع حزب‌الله و ایران خواهد بود. با این حال، این تاکتیک نیز خطرات مختص به خود را

به‌رغم همه این چالش‌ها، بعید است که حزب‌الله در آینده نزدیک سلاح خود را زمین بگذارد. اگرچه این گروه دیگر به اندازه قبل از جنگ غزه، سلاح‌های استراتژیک در اختیار ندارد، اما همچنان قدرتمندترین جناح سیاسی مسلح در لبنان است و در بسیاری از زمینه‌ها قدرتش با ارتش لبنان برابری می‌کند و حتی در برخی جنبه‌ها، مانند تجربه و تسلیحات، از ارتش لبنان قوی‌تر است. علاوه بر این، حضور مداوم اسرائیل در جنوب لبنان و حملات هوایی مداوم جنگنده‌های اسرائیلی، در کنار زمان‌بر بودن مذاکره دولت لبنان با

حزب‌الله برای رسیدن به یک استراتژی دفاع ملی و تمایل حزب‌الله برای ارائه تصویری از خود مبنی بر تنها نیروی مقاومت در لبنان، آن‌هم درست قبل از انتخابات پارلمانی سال ۲۰۲۶، موجب خواهد شد تا این گروه به حفظ سلاح‌هایش ترجیح شود



سرنوشت حزب‌الله

حزب‌الله لبنان با انتخاب‌هایی مواجه

دارد و می‌تواند دوباره پای حزب‌الله را به داینامیک‌های امنیتی و پرچالش سوریه باز کند، خصوصاً اگر این تاکتیک شامل همکاری با علوی‌ها باشد که علیه مقامات جدید سوریه شورش کرده‌اند. از نقطه نظر سیاسی، حزب‌الله تلاش می‌کند تا بر مذاکرات دولت لبنان و اسرائیل در باره تعیین مرز اثر بگذارد تا اطمینان حاصل شود که مزارع شبعاً-سرزمین مورد مناقشه بین لبنان، اسرائیل و سوریه به توسط اسرائیل اشغال شده- پس گرفته شود. صرف‌نظر کردن از ادعاهای مربوط به مزارع شبعاً، به عنوان یک شکست سیاسی تلقی خواهد شد، مگر اینکه حزب‌الله امتیازاتی مانند برچیده شدن پست‌های مرزی اسرائیل دریافت کند. علاوه بر این، حزب‌الله به دولت لبنان فشار خواهد آورد تا علیه حضور اسرائیل در جنوب لبنان و حملات هوایی مداوم اسرائیل، از جمله علیه بیروت، اقدامی انجام دهد. چنین فشاری احتمالاً با استدلال‌های نمایندگان طرفدار حزب‌الله در پارلمان لبنان، سخنان انگیزشی دبیرکل حزب‌الله و تهدید به از سرگیری حملات گسترده علیه مواضع اسرائیل همراه خواهد شد. البته بعید است حزب‌الله در میانه نیاز به بازسازی قابلیت‌های اطلاعاتی و نظامی‌اش، چنین تهدیدهایی را عملی کند اما اقدام تحریک‌آمیز قابل توجه از سوی اسرائیل- مانند حملات مستقیم به ایران، ترورهای هفدهم رهبران کلیدی حزب‌الله یا تهاجم‌های نظامی قابل توجه اسرائیل- می‌تواند حزب‌الله را به سمت یک درگیری دیگر سوق دهد.

در نهایت، حزب‌الله در برابر اقدامات دولت لبنان که تحت عنوان اصلاحات اقتصاد داخلی، اقدامات شفافیت را مقاومت خواهد کرد چراکه معتقد است همه این اقدامات با هدف تضعیف حزب‌الله انجام می‌شود و این اقدامات، تلاش‌های حزب‌الله برای تجدید زرادخانه‌های سلاح و بازسازی زیرساخت‌هایش را تهدید می‌کند. راه حل مدنظر حزب‌الله چه خواهد بود؟ تمدید مهلت. تنها راهی که پیش پای حزب‌الله است این است که روند اجرایی شدن اقدامات دولت لبنان را کند کند و به موازات آن به دنبال یافتن راه حل‌هایی برای دریافت سهم خود از کمک‌هایی باشد که از سوی اتحادیه اروپا، کشورهای عربی و ایالات متحده به دولت لبنان می‌شود.

در ماه‌های گذشته ایستور به نظر رسیده که دولت لبنان سعی می‌کند تا استراتژی عملگراییانه و سنجیده‌ای را در بر خود با حزب‌الله در پیش بگیرد. برخلاف استراتژی دولت لبنان پس از جنگ سال ۲۰۰۶، که در نهایت به درگیری مسلحانه حزب‌الله با دولت لبنان و اشغال برخی خیابان‌های بیروت توسط حزب‌الله انجامید، این بار دولت لبنان قصد ندارد به آن سمت برود. استراتژی دولت لبنان ثبات و حاکمیت بلندمدت است و ظاهراً این استراتژی را بر رویارویی زود هنگام با حزب‌الله ترجیح می‌دهد. البته دولت لبنان تحت ریاست جمهوری جوزف عون و نخست‌وزیری نواف سلام قصد خود را برای اعمال مجدد کنترل و مهار تدریجی استقلال نظامی حزب‌الله از ارتش لبنان نشان داده است اما بعید است خلع سلاح فوری حزب‌الله را دنبال کند، زیرا این امر باعث آشوب فرقه‌ای در لبنان شده و حزب‌الله را به سمت اجرای اقدامات تهاجمی سوق می‌دهد. آخرین باری که دولت لبنان در سال ۲۰۰۸

سعی در برچیدن زیرساخت‌های نظامی و ارتباطی حزب‌الله در بیروت داشت، این گروه برای مدت



عکس: AP